



## نقش نهادهای آموزش غیررسمی در شکل‌گیری ارزش‌های فردی و اجتماعی

علیرضا رشیدی\*

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۴/۳۰

### چکیده:

هر چند آموزش رسمی هنوز از مهم‌ترین راه انتقال دانش، تجربه و مهارت به‌شمار می‌رود. اما باید پذیرفت که آموزش غیررسمی نیز به عنوان مکمل آموزش رسمی، بسیار مورد توجه قرار گرفته است. که می‌تواند به عنوان برنامه‌ای خارج از برنامه رسمی مدارس، ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و مهارت‌های شخصی و اجتماعی فراگیران را که قسمتی از فرایند مدارس و کلاس درس است تحت تأثیر خود قرار دهد. نقش نهادهای آموزش غیررسمی در شکل‌گیری ارزش‌های فردی و اجتماعی، هدف اساسی این پژوهش است. در ابتدای نوشتار تعریف نظام آموزشی و انواع آن مطالعه می‌شود. سپس به معنا و مفهوم ارزش و همچنین ماهیت ارزش‌ها از دیدگاه صاحب‌نظران مکاتب فلسفی اشاره خواهد شد. آنگاه به این پرسش خواهیم پرداخت که چرا باید آموزش‌های غیررسمی را مورد توجه قرار داد. روش تحقیق در این پژوهش از نوع تحلیلی است و برای این منظور دیدگاه‌های صاحب‌نظران، کتب، پیشینه مطالعاتی و تحقیقات انجام شده مورد مطالعه، بررسی و تحلیل می‌شود.

**واژگان کلیدی:** نهاد، آموزش غیررسمی، ارزش‌ها، فرد، اجتماع.

## مقدمه و بیان مسئله

اگر چه نظام آموزش غیررسمی دربرگیرنده هر نوع آکادمیک<sup>۲</sup> نیست؛ اما تأثیر بسیار مهمی بر فارغ‌التحصیلان مدارس دارد. آن می‌تواند به عنوان یک برنامه خارج از برنامه رسمی مدارس، ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها و مهارت‌های شخصی و اجتماعی دانش‌آموزان را که قسمتی از فرایند مدارس و کلاس درس می‌باشد تحت تأثیر خود قرار دهد (Blumberg and Blumberg, 1994; Eisner, 2003; Gnsbury, and Clift, 1990; Horn, 2003; Martinson, 2003).

از طریق آموزش‌های غیررسمی می‌توان به افزایش آگاهی مردم در زمینه‌های اعتقادی، ارزشی، فرهنگی، سیاسی، بهداشتی و اجتماعی اقدام کرد و به این ترتیب به اعتلای سطح دانش و تغییر نگرش اعضای جامعه همت گماشت، به عنوان مثال می‌توان شیوه برقراری روابط سالم را میان اعضای خانواده به فرزندان و والدین آموخت. چگونگی استفاده مطلوب از اوقات فراغت را به اشخاص یاد داد. آحاد جامعه را با قوانین حقوقی و مقررات اجتماعی آشنا ساخت. همچنین از طریق آموزش‌های غیررسمی به‌ویژه به مدد رسانه‌های همگانی که محمل مناسبی برای انتقال این نوع آموزش‌ها به‌شمار می‌روند، فرهنگ اقوام را به افراد جامعه معرفی کرد و به تفاهم و همدلی میان اقوام مختلف در سطح ملی و بین‌المللی کمک کرد و به این ترتیب می‌توان شهروندان را با مسائل سیاسی، اجتماعی و ارزش‌های انسانی آشنا ساخت و آنها را در شکل‌گیری ارزش‌های فردی و اجتماعی تشویق کرد (دارابی، ۱۳۸۷).

پاتیل<sup>۳</sup> معتقد است که آموزش‌های غیررسمی نه تنها مکمل کارمعلم و مربی است؛ بلکه به نتایجی دست پیدا می‌کند که هیچ تدریس شفاهی و گفتاری از عهده آن بر نمی‌آید. به خصوص در بیان موضوعی که از حوزه عمومی دید مردم خارج است (Patil, ۱۹۵۱; Dhiman, ۲۰۰۷).

ایزنر<sup>۴</sup> نیز معتقد است که ما نه تنها علاقمند به بررسی و توجه به برنامه درسی صریح و آشکار<sup>۵</sup> هستیم؛ بلکه به آنچه که مدارس نمی‌آموزند<sup>۶</sup> نیز به همان اندازه اهمیت می‌دهیم. (Eisner, ۱۹۹۴: ۹۷)

مدرسه به عنوان حیاتی‌ترین نهاد رسمی در هر نظام آموزشی است. پویایی و تحرک هر نظام آموزشی را می‌توان درسیما مدارس آن نظام جستجو و مشاهده کرد. در کشور ما مدرسه از گذشته دور نه تنها نهادی برای آموختن بوده است؛ بلکه مکانی برای عبادت، کسب فضایل اخلاقی، سیر درعالم متعالی روحی و عاطفی نیز به حساب می‌آمده است. در واقع مدارس از گرانبهاترین ذخایری شناخته می‌شوند که جوامع برای پیشرفت و ترقی در زمینه‌های متعدد علمی، فرهنگی، اخلاقی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی خود، در اختیار دارند. تغییرات پی در پی نظام آموزشی با تبعیت و الگوبرداری از نظام‌های آموزشی دیگر جوامع بدون در نظر گرفتن قابلیت‌ها، استعدادها و امکانات بومی از یک طرف و از طرف دیگر رشد علم و تکنولوژی و انفجار اطلاعات به این ایده منجر شده است که مدارس دیگر به عنوان یکی از مهمترین نهادهای آموزش رسمی به‌شمار نمی‌روند. آنقدر دانش گسترش یافته و نیازهای فرهنگی توسعه پیدا کرده‌اند که تقریباً ارائه آموزش بدون کمک نهادهای آموزشی غیررسمی، غیرممکن است. بنابراین شاید بتوان گفت که در عصر کنونی مدارس به تنهایی مهمترین و فعال‌ترین نهاد آموزشی محسوب نمی‌شوند. آموزش‌های غیررسمی را می‌توان در چارچوب آموزش‌هایی دانست که جامعه در اختیار فرد قرار می‌دهد و از طریق رسانه‌های ارتباط جمعی از قبیل رادیو، تلویزیون، روزنامه و مجله، CD، DVD، کامپیوتر و ... ارائه می‌شود و آموزش‌هایی که خانواده در اختیار فرزندان قرار می‌دهد و یا تأثیری که خانواده در آموزش فرزندان دارد.

رسانه‌ها تاروپود نمادین زندگی اجتماعی را تشکیل می‌دهند و فرهنگ مدرن را شکل می‌دهند.

آنچه که فرهنگ نو را از گذشته جدا می‌کند، حضور و نقش رسانه‌هاست. نقش و اهمیت رسانه‌های ارتباط جمعی به حدی است که به گفته تامپسون<sup>۱</sup> امروزه نمی‌توان امور را بی حضور کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌ها قابل تصور دانست (نایی و آغاز، ۱۳۸۸).

1. Thompson  
2. Academic  
3. Patil

4. Eisner  
5. Explicit  
6. Implicit

تعامل مداوم هدف‌های از پیش تعیین شده را تحقق بخشد (مشایخ، ۱۳۷۰: ۳۷).

آنچه امروزه از واژه نظام آموزشی استنباط می‌شود، ابعاد بسیار وسیعتری را مطرح می‌کند و به محیط کلاس و معلم و کتاب در چارچوب مدرسه اکتفاء نمی‌شود و به تعداد سال‌هایی که فرد به مدرسه می‌رود خاتمه نمی‌یابد بلکه، مفهوم وسیع‌تر و غنی‌تر یادگیری، بدون توجه به این که در کجا، چگونه و در چه سنی یادگیری انجام پذیرفته است، مورد نظر است (مشایخ، ۱۳۷۰).

برای روشن‌تر شدن موضوع و با توجه به اینکه برنامه‌ریزی نظام آموزش شامل آموزش رسمی و غیررسمی می‌شود، در ذیل به اختصار هر یک از دو نوع آموزش یاد شده بیان می‌شود.

برخی سازمان‌ها و نهادها وجود دارند که با هدف آشکار آموزش رسانی به افراد در سطح وسیع آگاهی، طبق برنامه‌ای از قبل آماده شده، به وسیله جامعه برپا شده‌اند. به این سازمان‌ها و نهادهای رسمی تعلیم و تربیت گفته می‌شود. مدارس، مساجد، کتابخانه‌ها، موزه‌ها و تالارهای هنری متعلق به این طبقه است. متأثر کردن رفتار و شکل‌دهی شخصیت افراد، تنها هدف و عملکرد این نوع نهاد است. زمان و مکان در این نهادها، ثابت است. برنامه‌هایشان از قبل طراحی<sup>۱</sup> شده است. وسایل و روش‌هایشان به وضوح تعریف شده است، برنامه‌های انضباطی معینی دارند و افرادی تعلیم دیده بر آنها نظارت می‌کنند.

اما نهادهای دیگری هم وجود دارند که اغلب برای اهداف معین دیگری هستند. اما به‌طور غیرمستقیم تأثیر تربیتی مهمی بر روی رفتار و شخصیت افراد دارند. آنها فرهنگ و دانش را در روشی غیررسمی از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌کنند. به این نهادها، نهادهای غیررسمی تعلیم و تربیت گفته می‌شود.

آموزش رسمی یا مدرسه‌ای شامل آن قسمت از نظام آموزشی است که از کودستان آغاز شده و تا آموزش عالی ادامه می‌یابد. این نوع آموزش سازمان یافته است و ساختاری مشخص دارد و از سلسله مراتب منظمی پیروی می‌کند (مشایخ، ۱۳۷۰: ۱۱).

آموزش غیررسمی به هر نوع فعالیت آموزشی و کارآموزی گفته می‌شود که سازمان یافته است، ولی در خارج از نظام

آرنولد ریشه معضلات بشری را در اشاعه روحیه مادی‌گرایی و بهره‌وری از آموزش و پرورش رسمی به‌منزله ابزاری برای پیشبرد سود ناشی از صنعت می‌یابد و این درد را هرج و مرج می‌نامند. (زیباکلام، ۱۳۷۹: ۱۳۳).

آرنولد<sup>۱</sup> معتقد است که در دوران معاصر اهدافی که باید به خودی خود ارزشمند باشند به ابزار تقلیل یافته‌اند. به عبارت دیگر به ابزاری برای رسیدن به هدفی خاص تبدیل شده‌اند. او دستیابی به ارزش‌های فردی و اجتماعی را کمال انسان می‌پندارد. این ارزش‌ها عبارت است از: تفکر آزاد در راه تلاش برای دستیابی به قوانین حاکم بر جهان، به خاطر ارزشی که در این جستجو نهفته است. خویشتنداری و ایمان قلبی از شرایط این جستجویی است که فقط در خدمت وصول به کمال انسانی است (زیباکلام، ۱۳۷۹).

شواهد نشان می‌دهد که درگیر کردن دانش‌آموزان کلاس با مسائل واقعی زندگی<sup>۲</sup>، می‌تواند اثر آموزش رسمی را افزایش دهد. آنان با تحت تأثیر قرار گرفتن از آموزش‌های غیررسمی، در حل مسائل دنیای واقعی احساس راحتی می‌کنند و با اعتماد به‌نفسی بالا، خود را نسبت به باورها و ارزش‌های انسانی متعهد<sup>۳</sup> و مسئول می‌دانند (Dubin, ۲۰۰۵).

بنابراین با توجه به مطالب پیش گفته، امروزه بهره‌گیری از آموزش‌های غیررسمی در جوامع متعدد جهانی یک ضرورت به‌شمار می‌رود. توجه به این نوع آموزش به متولیان امر آموزش و پرورش این کمک را می‌کند تا علاوه بر دانش عمومی و تخصصی که در مدارس می‌آموزند، دانش و بینش دانش‌آموزان را در زمینه‌های دیگر از جمله، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی، علمی، سیاسی، اقتصادی و نظایر آن را گسترش دهند و از این طریق بتوانند همگام با آموزش رسمی، در مسیر رشد اخلاقی و تکوین ارزش‌های انسانی و اجتماعی گام بردارند.

### تعریف نظام آموزشی و انواع آن

نظام آموزشی یک مجموعه پیچیده است که در آن اجزاء متشکله و زیر نظام‌ها به‌گونه‌ای سازمان یافته است تا در اثر

1. Arnold  
2. Real Life Problems

3. Engage  
4. D. Pre-Planned

هستند و معادله آزادی و مساوات می‌تواند فقط از طریق توجه به ارزش‌های انسانی شکل بگیرد. (Ibid)

طبق نظر هارکرم و روسین، ارزش‌های انسانی به‌منزله دارایی شخصی برای فرد است (Harcum and Rosen, ۱۹۹۲).

از نظر هیل و تولرئود: انسان بودن یک انسان در گِرو، درک قابل ملاحظه او نسبت به ارزش‌ها درباره خود و دیگران است (Hill and Tollerud, ۱۹۹۶).

ماهیت ارزش‌ها از دیدگاه مکاتب فلسفی و آراء تربیتی ارزش‌شناسی<sup>۱۴</sup> به بحث درباره نظریه ارزش می‌پردازد و درصدد است تا آنچه را که اخلاقاً خیر و صحیح است، توصیه کند. اخلاق<sup>۱۵</sup> و زیبایی‌شناسی<sup>۱۶</sup> بخش‌های ارزش‌شناسی را تشکیل می‌دهند. اخلاق ارزش‌های معنوی و منشی را به روش فلسفی مورد مطالعه قرار می‌دهد. زیبایی‌شناسی ارزش‌ها را در قلمرو و زیبایی و هنر بررسی می‌کند. ارزش‌شناسی به بررسی دستورات عمل‌های مربوط به فعل اخلاقی و زیبایی می‌پردازد. پرورشکاران، همواره به شکل ارزش‌ها در نسل جوان و ترغیب اعمال پسندیده علاقه‌مند بوده‌اند (پاک سرشت، ۱۳۸۰: ۹).

به طور کلی هر فردی تحت تأثیر کسانی واقع می‌شود که سعی دارند رفتار او را در جهات معینی سوق دهند.

از دیدگاه هری س. برودی<sup>۱۷</sup> به عنوان نماینده برجسته رئالیسم<sup>۱۸</sup> معاصر، نقش آموزش و پرورش و مدرسه تغییر شکل زندگانی از راه کسب معرفت است. خاستگاه ارزش‌ها در روابط میان ساختار اشیاء و ساختار ماهیت آدمی نهفته است. ساختار شی، آن را هم از نظر ابزاری و هم ذاتی با ارزش می‌کند (پاک سرشت، ۱۳۸۰: ۶۴).

دسته‌ای از فیلسوفان ارزش‌ها را عبارت از خصوصیات که در اشیاء یا اعمال وجود دارند تلقی می‌کنند. به عبارت دیگر ارزش از نظر این دسته امری عینی یا خارجی است و در خود شی یا عمل منعکس است. اینان معتقدند پاره‌ای از اصول اخلاقی مانند

آموزش رسمی تحقق می‌پذیرد. مانند دوره‌های آموزشی و کارآموزی کوتاه‌مدت در زمینه‌های گوناگون سوادآموزی، بهداشت، عقیدتی، سیاسی، تعاون، کمک‌های اولیه، تنظیم خانواده، کسب مهارت‌های حرفه‌ای و فنی در زمینه‌های صنعت، کشاورزی و خدمات و انواع آموزش‌های مفید برای بارور ساختن اوقات فراغت و غیره... (همان)

آنچه طراحان و برنامه‌ریزان درسی برای رشد و تربیت فراگیران طراحی و برنامه‌ریزی می‌کنند، برنامه درسی رسمی است. برنامه درسی رسمی، هدف‌های آموزشی مدون و آشکار دارد و محتوای معینی برای تحقق هدف‌ها انتخاب و سازماندهی می‌شود، اصول و روش‌های یاددهی - یادگیری متناسب با هدف‌ها و محتوا تعیین و پیشنهاد می‌شود و در مورد ارزشیابی نیز تصمیم‌گیری و هماهنگی به عمل می‌آید. (ملکی، ۱۳۷۹: ۷۹)

#### معنا و مفهوم ارزش

مفهوم ارزش به‌وسیله دانشمندان علوم اجتماعی از قبیل فلاسفه<sup>۱</sup>، انسان‌شناسان<sup>۲</sup> و روان‌شناسان در طول تاریخ بشری، بسیار مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. توجه به ابعاد<sup>۳</sup> این مفهوم تصدیق‌کننده این حقیقت است که وقتی ما درباره افعال و پیامدهای مطلوب و یا نامطلوب، خوب و یا بد، درباره عقاید عمومی و استانداردها، قضاوت می‌کنیم به نوعی به ارزش‌شناسی پرداخته‌ایم (Mahmud and Etal; ۲۰۰۹).

ارزش یک قسمت از زندگی بشر است که در برگیرنده عقاید عمومی درباره راه‌ها و رفتارهای پسندیده و ناپسند هر شخصی است (Cory and Callahan, ۲۰۰۳).

کابوگل یو معتقد است که کرامت انسان<sup>۴</sup> و مباحث<sup>۵</sup> به او به خاطر التفات و توجه او به ارزش‌های اساسی است. ارزش‌هایی از قبیل تحمل و بردباری<sup>۶</sup>، تکثرگرایی<sup>۷</sup>، تفوق قانون<sup>۸</sup>، آزادی<sup>۹</sup>، استقلال<sup>۱۰</sup>، راستگویی<sup>۱۱</sup> و عدالت<sup>۱۲</sup> و رازداری<sup>۱۳</sup> (Kaboglu, ۲۰۰۲, P. ۱۳).

بر طبق نظر کابوگل یو ارزش‌ها از مفاهیم بنیادی دموکراسی

1. Philosophers.  
2. Anthro Pologists.  
3. Across.  
4. Human Dignity.  
5. Pride.  
6. Tolerance.

7. Diversity.  
8. Superiority of the Law  
9. Freedom.  
10. Independence.  
11. Honesty.  
12. Jistic.

13. Secrecy.  
14. Axiology.  
15. Ethics.  
16. Aesthetics.  
17. Brody.  
18. Realism.

از موارد ارزش‌های خادم‌چنین است: کم سخن گفتن، اکرام بستگان و راستگویی (باقری، ۱۳۸۰: ۴۶).

در ارزش‌های اخلاقی خادم (فرعی) آنچه ضروری است، محدودیت است، نه تغییرپذیری. در مقایسه با ارزش‌های مخدوم (اصلی)، ارزش‌های اخلاقی فرعی، محدود و مشروط‌اند. در حالی که ارزش‌های اصلی، از موقعیتی به موقعیت دیگر دگرگون نمی‌شوند، ارزش‌های فرعی، مشروط به تأمین و تحقق ارزش‌های اصلی‌اند (همان: ۵۱).

به‌طور مثال، اگر «راست‌گویی» یک ارزش فرعی باشد، جریان آن محدود به حدودی خواهد بود همچون حفظ حیات انسانی؛ و در صورتی که از این حد در گذرد و موجب زوال حیات انسانی بی‌گناه شود، دیگر به عنوان ارزش صادق نیست. با این حال، این ارزش محدود می‌تواند با حفظ حدود خود، همواره و در همه زمان‌ها صادق باشد. به عبارت دیگر، تغییرپذیری ارزش‌های فرعی، جغرافیایی است نه تاریخی. یعنی، وقتی از مرز حدود خود درگذرند، تغییر می‌کنند؛ اما در بستر زمان، تغییر بر خود نمی‌بینند (همان: ۵۲).

چرا باید آموزش غیررسمی را مورد توجه قرار داد؟

از دیدگاه جامعه‌شناختی<sup>۱</sup>، تعلیم و تربیت فرایندی است که رفتار فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد تا او را در ردیف گروه خود قرار دهد. الگوهای رفتاری فردی و اجتماعی به او آموزش داده می‌شود تا شخصیت وی شکل گیرد. پس فرایند رشد شخصیت فرد، فرایند تعلیم و تربیت اوست. شکل‌گیری رفتار، ارزش‌ها و باورهای فرد، تحت تأثیر نهادهای بی‌شماری است. بخشی از رفتاری که یاد می‌گیرد از طرف مدرسه است، بخشی دیگر از طرف، خانواده، مساجد، رسانه‌ها، افراد و گروه همسالان است. همه اینها و منابع دیگر به عنوان نهادهای تعلیم و تربیت<sup>۲</sup> توصیف می‌شوند.

دهیمن (۲۰۰۷) نهادهای تعلیم و تربیت را به دو دسته نهادهای فعال و نهادهای غیرفعال تقسیم می‌کند. از نظر وی نهادهای فعال، نهادهایی هستند که آموزش را از طریق تعاملات شخصی افراد انتقال می‌دهند. درمورد نهادهای فعال، آموزش،

عدالت‌خواهی، سعه‌صدر، احترام به حقوق و آزادی‌های فردی، خدمت به خلق، صلح، دوستی و طرفداری از اصول دموکراسی خود به خود با ارزش هستند (شریعتمداری، ۱۳۶۶: ۱۵۵).

عده‌ای از فیلسوفان ارزش‌ها را محصول تمایلات یا احساسات افراد تلقی می‌کنند. آنچه مورد علاقه فرد قرار گیرد برای وی با ارزش است. از نظر این دسته یک اثر هنری با یک عمل اخلاقی در خود خصوصیتی ندارد. فرد با پیروی از تمایلات یا احساسات خود برای چیزی ارزش قائل می‌شود. به‌طور خلاصه ارزش در نظر این دسته امری شخصی است و با تمایلات و عواطف فرد ارتباط دارد. برای این دسته میزان‌های عمومی و عینی درباره امور ارزشی وجود ندارد و آنچه به صورت قضیه یا حکم درباره ارزش‌ها صادر شود بیان احساس یا میل فرد است (شریعتمداری، ۱۳۶۶: ۱۵۵).

از نظر شریعتمداری، امری ممکن است خود به خود دارای ارزش باشد، یعنی بدون توجه به ارتباط آن با امور دیگر با ارزش تلقی شود در این صورت گفته می‌شود این امر ارزش ذاتی دارد. مثلاً برای بعضی از مردم علم، اخلاق، دین و هنر، خود به خود ارزش دارند. در مقابل ارزش‌های ذاتی بعضی ابزارها وسیله‌ای برای رسیدن به امور با ارزش هستند و از این جهت با ارزش تلقی می‌شوند. برای مثال پول ممکن است وسیله‌ای برای کسب علم و هنر باشد و از این نظر با ارزش تلقی شود (همان: ۱۵۷).

باقری در کتاب چيستی تربیت دینی در بحث اخلاقیات و ارزش‌ها، اخلاقیات و ارزش‌ها را به دو دسته بزرگ تقسیم می‌کند: اخلاقیات مخدوم و خادم. از نظر او مراد از اخلاقیات مخدوم، ارزش‌هایی است که زندگی آدمی، برای تحقق بخشیدن به آنها و تابعیت از آنهاست. در مقابل اخلاقیات خادم، ارزش‌هایی است که در خدمت آدمی قرار دارد و برای بهتر شدن زندگی است. از این رو، اگر شکل زندگی در اثر تحولات تاریخی دگرگون شود، ارزش‌های خادم نیز دگرگون خواهد شد و به عبارت دیگر، ارزش‌های پیشین نخواهند توانست در شکل جدید زندگی، نقش مفیدی داشته باشند. اما اخلاقیات مخدوم که حسن ذاتی دارند، همواره ثابت و برقرار هستند. نمونه‌هایی از ارزش‌های مخدوم از این قرار است: خدا، انسان یا خود زندگی؛ همچنین برخی



نظریه پردازان نقادی نیز، آموزش رسمی مدارس را مستقیماً در کانون سیاست و تعارض فرهنگی قرار می‌دهند. برپایه تحلیل آنان، مدارس در طول تاریخ در سیطره گروه‌های مسلط اقتصادی، اجتماعی و سیاسی بوده‌اند تا از قبل آنها گونه‌های معرفت دلخواه خود را به عنوان وسیله کنترل اجتماعی تحمیل کنند (پاک سرشت، ۱۳۸).

نظریه‌پردازان نقادی<sup>۱</sup> درصددند تا بر مبنای نقادی‌های خود نظام آموزش رسمی را اصلاح کنند به نحوی که مدارس به «فضاهای عمومی دموکراتیک» تبدیل شوند تا دیدگان نسل جوان به روی حقوق و مسئولیت‌های راستین اخلاقی<sup>۲</sup>، ارزشی<sup>۳</sup>، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی باز گردد. (Henty, ۱۹۸۹: ۶-۷)

دیوئی<sup>۴</sup> نیز با اهمیت وافر می‌داند که به نهادهای رسمی آموزش می‌دهد، نقش آموزش غیررسمی را بسیار حیاتی می‌داند. او آنها را لازم، طبیعی و مهم می‌داند. فرد به‌طور غیررسمی، زندگی با دیگران و فرایند زندگی با یکدیگر را می‌آموزد، این مسئله تجارب را گسترش می‌دهد. ذهن را تحریک و تشویق می‌کند و در صحت و روشنی گفتار<sup>۵</sup> و افکار، ایجاد مسئولیت می‌نماید (Dewey, ۱۹۳۸).

دیوئی خاطر نشان می‌کند که تأثیر ناخودآگاه نهادهای غیررسمی آموزش، بسیار دقیق و فراگیر است آنها همه ابعاد شخصیت و ذهن فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. در ضمن به شکل‌گیری عادات<sup>۶</sup>، رفتارها، سلاقی<sup>۷</sup> و نگرش‌ها کمک می‌کنند (Ibid).

انتقال دانش‌ها، ارزش‌ها و مهارت‌ها از یک نسل به نسل دیگر تنها در درون نظام رسمی آموزش و پرورش صورت نمی‌گیرد، بلکه سایر نهادها و مؤسسات اجتماعی نیز در این امر تأثیر گذارند و به نظر می‌رسد که با تحول سریع جوامع و حرکت آنها به طرف جامعه، فراصنعتی، بر اهمیت این آموزش‌ها روز به روز افزوده می‌شود.

از میان عوامل تأثیرگذاری که بافت اجتماعی هر جامعه را شکل می‌دهند، نظام خانواده، گروه‌های همسالان، نهادهای

فرایندی دو طرفه است. معلم و متعلم، روی هم تأثیر می‌گذارند، و موقعیت یادگیری پویا می‌شود. برای مثال خانواده، گروه بازی، مدرسه، مساجد، کلیساها و ... اینها فرصت‌هایی را برای تعاملات اجتماعی که در شکل‌هایی مانند: همکاری، تعارض، رقابت، جذب و انطباق ابزار می‌شود، فراهم می‌آورند. در خانواده؛ هر عضو، رفتار اعضای دیگر را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خانواده به عنوان یک کل، هر عضو را تحت تأثیر قرار می‌دهد (Dhiman, ۲۰۰۷).

از طرف دیگر، نهادهایی وجود دارد که تعامل<sup>۱</sup> در آن فرایندی یک‌طرفه است. تعاملی که میان والدین، والدین و کودکان، میان معلم و دانش‌آموزان وجود دارد، فرایند دو طرفه است، درحالی که رسانه‌ها، اعم از رادیو، تلویزیون، مطبوعات و ... بدون اینکه خودشان تحت تأثیر قرار بگیرند، بر روی رفتار مردم، شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای فردی تأثیر می‌گذارند (Ibid).

ماهیت‌گرایان<sup>۲</sup> ضمن اینکه تحصیلات رسمی را نصب‌العین قرار می‌دهند، مدعی‌اند که بسیاری از طراحی‌های آموزش رسمی نامتایز و فاقد کارایی‌اند.

ای در. هرش<sup>۳</sup>، چسترفین<sup>۴</sup> و دایان راویچ<sup>۵</sup> از نظریه‌پردازان ماهیت‌گرایی<sup>۶</sup> بر این باورند که مدارس دولتی در انتقال دانش ضروری برای آگاهی فرهنگی و سیاسی ناکام بوده‌اند. چون برنامه‌های درسی مدارس کنونی به منظور توسعه بینش فرهنگی به انتقال عامدانه هسته‌ای از معرفت نمی‌پردازند. از دیدگاه این صاحب‌نظران بسیاری از دانش‌آموزان، آموزش و پرورش رسمی خود را به پایان می‌رسانند، بی‌آنکه زمینه فرهنگی لازمی را داشته باشند (پاک سرشت، ۱۳۸۰: ۴۰۱).

برخی از پرورش‌کاران، نظریه بازسازی اجتماعی<sup>۷</sup>، از جمله کاونتس<sup>۸</sup> معتقد است که هر نظریه تربیتی‌ای که منحصرأ بر آموزش و پرورش رسمی مبتنی باشد، از حقیقت و سر زندگی عاری است. او تأکید می‌کند، مدرسه با همه اهمیتی که دارد، تنها یکی از نهادهای متعدد فرهنگی است.

1. Interaction  
2. Essentialism  
3. E.D.Hirsch  
4. Chester Finn  
5. Diane Ravitch

۶. ماهیت‌گرایی نظریه یا مجموعه‌ای از دیدگاه‌های تربیتی است که طرفدار عرضه و انتقال هسته‌ای از مهارت‌ها و معارف عقلانی بنیادی به متعلمان است.

7. Social Reconstructionism

8. Counts  
9. Critical Theory  
10. Ethical  
11. Value  
12. Dewey  
13. Vividence Statement  
14. Habits  
15. Tastes



دانش‌آموزان، هزینه‌های زیادی را متحمل می‌شوند. اما باید اعتراف<sup>۱</sup> کرد که مدارس به تنهایی از عهده این کار بر نمی‌آیند. بلکه در این فرایند، والدین، سازمان‌های مذهبی<sup>۲</sup>، سازمان‌های اجتماعی و سایرین حاملان تعلیمات اجتماعی و اخلاقی<sup>۳</sup> نیز باید تشریک مساعی به عمل آورند (Sears, and Hughes, ۱۹۹۶).

مطالب مندرج در روزنامه‌ها و مجلات، جو حاکم بر خانواده، روابط متعادل و متکامل اعضای خانواده، محتوای یک برنامه رادیو، تلویزیونی، محتوای یک سخنرانی در مکان‌های دعا، نیایش و عبادتگاه‌ها، بدور از قیل و قال‌های سیاسی و دنیوی، قادرند در افراد ایجاد روحیه انطباق اجتماعی کنند و اغلب تأثیر چشمگیری در شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای فرد داشته باشند. در ادامه نگارنده با توجه به دیدگاه صاحب‌نظران تعلیم و تربیت، بر این اعتقاد است که آموزش‌های رسمی و غیررسمی در قالب تربیت جلوه‌گر است. به این معنا که هم آموزش رسمی و هم آموزش غیررسمی، آموزشگرانی هستند که عناصر بدوی شخصیت را که همان استعدادهای فطری فرد است، تحت تعلیم قرار می‌دهند.

#### بحث و نتیجه‌گیری

هرچند آموزش و پرورش رسمی که از دوره ابتدایی شروع و تا قبل از تحصیلات دانشگاهی ادامه می‌یابد می‌تواند نقش قابل ملاحظه‌ای در فرایند رشد و تربیت علمی، اجتماعی، اخلاقی، فکری و... دانش‌آموزان ایجاد کند. اما این وظیفه تنها به آموزش رسمی بر نمی‌گردد؛ زیرا بدون حمایت سایر عناصر و نهادهای دیگر، قادر نیست جامعه را بازسازی کند. براین اساس است که آموزش و پرورش غیررسمی در بیشتر کشورهای جهان، به‌خصوص کشورهای در حال توسعه اهمیت قابل ملاحظه‌ای دارد. به طور منطقی این نوع آموزش به عنوان عامل پرورش‌دهنده قوای روحی و اخلاقی و شکل‌دهی شخصیت فرد تلقی شده است. آموزش غیررسمی، تنها موضوعات آموزشی که به طور سنتی در مدارس تدریس می‌شود، معنا نمی‌دهد؛ بلکه شامل تجربیات کلی است که یک دانش‌آموز از طریق فعالیت‌های زیادی که در مدرسه، در کلاس درس، کتابخانه، آزمایشگاه، زمین‌بازی، مسجد، خانواده، سینما، تئاتر و... به‌دست می‌آورد. در این مورد کل زندگی برنامه

مرتبط با ورزش و سرگرمی، رسانه‌ها، مطبوعات و... از عمده‌ترین عوامل بوده و درباره نقش و جایگاه هر یک، نظرات گوناگونی ابراز شده است (توسلی، ۱۳۷۹).

خانه، مسجد، جامعه، دولت، رادیو، تلویزیون و مطبوعات و... برای برخی اهداف دیگر به وجود آمده‌اند. اما تأثیر تربیتی مهمی روی الگوی رفتاری افراد دارند و در رشد شخصیت تا حد زیادی سهیم‌اند. آنها نه دارای برنامه‌های انضباطی معینی هستند و نه قوانین و مقررات رسمی دارند. آنها رفتار فرد را تغییر می‌دهند؛ اما فرایند تغییر و اصلاح، غیرمستقیم، غیررسمی و ناخودآگاه است.

از نظر صاحب‌نظران علوم ارتباطات در سال‌های اخیر کارکرد «فرهنگ آفرینی» رسانه‌ها از جمله تلویزیون مورد توجه جدی محققان قرار گرفته است. به اعتقاد آنان این رسانه در جوامع کنونی با ایجاد چارچوب‌های تجربه و نگرش‌های کلی فرهنگی افراد را در تفسیر و سازماندهی اطلاعات یاری می‌دهد و شیوه‌هایی را پی‌ریزی می‌کند که افراد به‌وسیله آن بتوانند زندگی اجتماعی را تفسیر کنند (محبی، ۱۳۸۰).

هر چند تلویزیون در برنامه‌های مختلف خود، عمداً و یا سهواً با طرح ارزش‌های نوین اجتماعی، میان نسل قبلی و کنونی شکاف فرهنگی چشمگیری ایجاد کرده و روابط را به انفکاک کشانده است؛ اما این توانایی را دارد که مانند یک مرکز قدرتمند فرهنگی نظام خویشاوندی، آداب و رسوم، ارزش‌های اجتماعی و اخلاقی، زبان، هنر و ادبیات را که زیربنای هویت جامعه محسوب می‌شوند، تحت تأثیر و نفوذ قرار دهد و با بهره‌گیری از تکنیک‌های ارتباطی به عنوان یک رسانه ملی، بر ایده‌ها، رفتار، نگرش‌های مردم در خصوص گرامی‌داشت ارزش‌های انسانی، تأثیر مثبت بر جای گذارد.

اشاعه ارزش‌های غنی فرهنگی و انسانی، از ضروریات جوامع بشری محسوب می‌شوند، نهادهای غیررسمی آموزشی با اشاعه پیام‌های مثبت تربیتی، اهمیت آن را صد چندان می‌کند.

در سیستم‌های آموزشی رسمی موجود در سراسر دنیا، به شکل‌گیری ارزش‌ها و باورهای فردی و اجتماعی چندان توجهی نمی‌شود. مدارس برای ورود به دانشگاه و پیشرفت تحصیلی



- نایی، هوشنگ و آغاز، محمدحسن. (مرداد و شهریور ۱۳۸۸). فرهنگ، رسانه و نقش سیاست‌های رسانه‌ای در توسعه فرهنگی کشور، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال سوم، شماره ۳۱ و ۳۲.

- Blumberg, A. and Blumberg, P. (1994). *The Unwritten Curriculum*. Thousand Oaks: Corwin Press.

- Corey, G. and Callahan, P. (2003). *Issues and Ethics in the Helping Professions* (6th ed). Pacific Grove, CA: Brooks/Cole.

- Dhiman, O.P. (2007). *Principles and Techniques of Education*, India: Kalpaz Publication.

- Dubin and Max (2005). *Values as the Foundation of Citizenship*.

- Eisner, E.W. (1994). *The educational Imagination on The Design and Evaluation of School Programs*, New York: Macmillan College Publishing company.

- Jackson, P.W. (1968). *Life in Classrooms*. New York: Teachers College Press.

- Harcum E.R. and Rosen, E.F. (1992). Perception of Human Dignity by College Students and by Direct- Care Providers. *The Journal of Psychology*, 126(1), 27-36.

- Henry, A. (1989). *Critical Pedagogy, The State, and Cultural Struggle*. New York: University of New York Press.

- Hill, S.R. and Tollerud, T.R. (1996). Restoring Dignity in at-Risk Students. *School Counselor*, 44(2), 122-132.

- Horn, R.A. (2003). Development a Critical Awareness of the Hidden Curriculum Through Media Literacy. *The Clearing House*, 76(6), 298-300.

- Medville, A. (1992). Democracy in The Elementary Classroom: A Curriculum for Inter Dependence. In s. Latimore (Ed). *Educating for Democracy* (pp.78-90). Cambridge, MA: Educators for Social Responsibility.

- Mahmud, S.H. and et al; (2009). Values – A Study of Teacher and Student Perceptions in Foar Countries. *Issn Jul. (2009), Volum 6, No.7.*

- Sari, Mediba (2009). Hidden Curriculum on Gaining The Value of Respect for Dignity. *Educational Sciences. Theory and Pratic* 9(2). Spring 2009. 925-940.

- Skelton, A. (1997). Study Hidden Curricula: Developing a Perspective in The Light of Postmodern Insights, *Curriculum Studies*, 5(2), 171-193.

درسی می‌شود که می‌تواند زندگی دانش‌آموزان را در تمام موارد تحت تأثیر قرار دهد و به او در تکوین ارزش‌ها، کمک کند. پرورش ارزش‌های انسانی از راه تلاش و فعالیت مداومی که فرد را از قلمرو ارزش‌های خادم (فرعی) به ارزش‌های مخدوم (اصلی) سوق می‌دهد، عملی می‌شود. بنابراین باید نظام رسمی و هم نظام غیررسمی آموزشی، به صورت هماهنگ و مکمل، رشد فرد را در این مسیر هدایت کنند.

#### منابع:

- باقری، خسرو. (۱۳۸۰). چيستی تربیت دینی. تهران: مرکز مطالعات تربیت اسلامی.

- توسلی، غلامعباس. (پاییز ۱۳۷۹). ویژه‌نامه جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، فصلنامه تعلیم و تربیت، شماره ۳.

- جرالسد، ال. گوتک. (۱۳۸۰). مکاتب فلسفی و آراء تربیتی. ترجمه پاک سرشت، محمدجعفر (مترجم). تهران: انتشارات سمت.

- دارابی، مه‌ری. (آذر و دی ۱۳۸۷). بررسی کارکرد نهادهای آموزشی و تربیتی در توسعه فرهنگ و هنر کشور. ماهنامه مهندسی فرهنگی. سال سوم، شماره ۲۳ و ۲۴.

- زیباکلام، فاطمه. (۱۳۷۹). مبانی فلسفی آموزش و پرورش در ایران. تهران: انتشارات حقیقت.

- شریعتمداری، علی. (۱۳۶۶). اصول و فلسفه آموزش و پرورش. تهران: انتشارات امیر کبیر.

- شکوهی، غلامحسین. (۱۳۷۱). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

- عسکریان، مصطفی. (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی آموزش و پرورش. تهران: انتشارات توس.

- کریمی، عبدالعظیم. (۱۳۸۲). سازه‌های تربیت و دموکراسی. تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت.

- گروه مشاوران یونسکو. (۱۳۷۰). فرایند برنامه‌ریزی آموزشی. ترجمه فریده منایخ. تهران: انتشارات مدرسه.

- محبی، فاطمه. (۱۳۸۰). ردپای سطحی‌نگری در رسانه‌ها. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، جلد ۴، شماره ۱۳.

- ملکی، حسن. (۱۳۷۹). برنامه‌ریزی درسی. مشهد: مؤسسه انتشارات پیام آندیشه.



## فرهنگ عاشورا و راه‌های تحقق در ایران امروز

تاریخ دریافت مقاله: ۸۸/۱۲/۱۵

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۴/۳۰

هوشنگ نایبی<sup>۱</sup>

محمدحسن آغاز<sup>۲</sup>

### چکیده:

معنویات و یا ارزش‌های فرامادی، ارزش‌هایی هستند که در هر جامعه‌ای بسته به ماهیت آن، در زندگی مردم جایگاه اساسی دارند. در جامعه اسلامی ما که ماهیت معنوی آن برگرفته از کلام خدا، سیره پیامبر، رفتار علوی و قیام عاشورایی امام حسین (ع) تنظیم شده است، معنویات بر چهار پایه استوار است که در ترکیب خود با نگرش جامعه‌شناختی زمینه الهی شدن مردم را فراهم می‌کند. این چهار پایه در کنار ارزش‌های مادی - که زمینه‌ساز تحقق ارزش‌های معنوی است - از اهمیت اساسی برخوردار است.

در همه جوامع انسانی، ارزش‌های عدالت‌محور و یا ارزش‌هایی که جامعه بر آن استوار است، از اصولی استخراج می‌شود که به آشکار بر همگان اعیان بوده و نام حقوق به خود می‌گیرند. به عبارت دیگر حقوق مجموعه قواعد و مقرراتی است که دولت‌ها و حکومت‌ها موظفند برای تحقق عدالت و آسودگی مردم خویش به این جهت که آنها عضوی از جامعه هستند (حقوق طبیعی) برای آنها اختصاص دهند. براین اساس این معنویات در جامعه ما براساس آموزه‌های دینی به منصف ظهور می‌رسد.

در این مقاله، محقق سعی دارد با رویکرد جامعه‌شناختی و به شیوه تبیین کارکردی به راه‌های تحقق اهداف فرهنگ عاشورایی در جامعه ما بپردازد. توجه به فرایند فرهنگ‌پذیری و ساماندهی فرهنگی جامعه از طریق سه سطح به ما این امکان را می‌دهد که امیدوار به تحقق فرهنگ عاشورایی در جامعه باشیم.

این که عاشورا چیست و قیام عاشورایی چه پیامدهایی را دربرداشته است، سال‌هاست که همگان به آن پرداخته‌اند و کتاب‌های فراوانی در این زمینه نگاشته‌اند. اما راه‌های تحقق معنویات در جامعه ما و در شرایط کنونی با آموزه‌های عاشورایی چگونه است که در این مقاله محقق سعی دارد به اختصار به آن بپردازد. راه‌های تحقق معنویات در این مقاله به سه سطح کلان، میانه و خرد تقسیم و شرح کوتاهی برای آن ارائه شد و در انتها راهکارهایی برای تحقق این ارزش‌ها در جامعه اسلامی ما ارائه می‌شود.

**واژگان کلیدی:** عاشورا، فرهنگ، ایران، ارزش‌ها، راهکارها.

<sup>۱</sup> استادیار گروه جامعه‌شناسی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران E-mail: hnayebi@ut.ac.ir

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد جامعه‌شناسی و پژوهشگر صدا و سیما استان گیلان E-mail: maghaz@irib.ir